

# دادگاه حمید نوری

## بررسی اولیه برخی نتایج و دستاوردها

از زاویه حقوقی

در عرصه سیاسی- اجتماعی

برخی مشکلات و کمبودهای جنبش دادخواهی



حنیف حیدر نژاد- ژانویه ۲۰۲۲

دادگاه حمید نوری (عباسی)<sup>۱</sup> که از دهم ماه اوت ۲۰۲۱ در ساختمان مرکزی دادگاه استکھلم در سوئد آغاز شده و اینک از نیمه گذشته و با پایان گرفتن تعطیلات زمستانی سال نو میلادی، جلسات خود را مطابق برنامه اعلام شده از ۱۱ ماه ژانویه ۲۰۲۲ از سر خواهد گرفت. اگر در برنامه برگزاری جلسات تغییرات جدی پیش نیاید، آخرین جلسه دادگاه روز ۱۴ آوریل ۲۰۲۲ برگزار خواهد شد<sup>۲</sup>.

بعد از برگزاری ۵۵ جلسه و قبل از شروع مجدد دور پایانی جلسات دادگاه در چند روز آینده، مناسب است از زاویه‌های مختلف به این دادگاه و دستاوردهایش نظر کوتاهی انداخت. این بررسی همه جوانب را در بر نگرفته و خود را بر موارد مشخصی محدود می‌کند.

### قدردانی از شاهدین و شاکیان

قبل از هر چیز لازم است از همه شاهدین و شاکیان، زندانیان سیاسی سابق یا خانواده‌های اعدام‌شدگان که در دادگاه حاضر شده و شهادت داده و به پرسش‌های قاضی، دادستان و وکلای مشاور و نیز وکلای مدافع حمید نوری پاسخ دادند، قدردانی کرد. صحبت کردن در مورد آن جنایت تلخ و خونین هم در مرحله مقدماتی نزد پلیس و هم در دادگاه، بدون شک باعث زنده شدن خیلی از خاطرات شده و فشارهای شدید فکری و روانی و عاطفی داشته است. همه اینها آسیب‌های روحی را که به مرور زمان شاید کمی ساکت شده بود، دوباره زنده می‌کند. از این رو به لحاظ انسانی، تلاش این شاهدان و شاکیان برای پذیرش این درد مضاعف و احساس مسئولیت آنها برای صحبت کردن در مورد آن خاطرات دردناک، شایسته قدردانی است.

دادگاه حمید نوری؛ فرصت‌ها و چالش‌های حقیقت‌یابی<sup>۱</sup>

[http://www.hanifhidarnejad.com/Hidarnejad/index.php?option=com\\_content&task=view&id=11971&Itemid=247](http://www.hanifhidarnejad.com/Hidarnejad/index.php?option=com_content&task=view&id=11971&Itemid=247)

جدول زمانی برگزاری جلسات دادگاه حمید نوری<sup>۲</sup>

[https://eu.docs.wps.com//sAOFBPH3gl\\_CCAZml0aSqpxQ](https://eu.docs.wps.com//sAOFBPH3gl_CCAZml0aSqpxQ)

## یکم: از زاویه حقوقی



- تجربه به دام انداختن و دستگیری حمید نوری می‌آموزد که دستگیری آمرین و عاملین متهم به جنایت جنگی باید در نهایت پنهانکاری و به دور از فعالیت‌های تبلیغی و جنجالی باشد.

- در صورت محکومیت حمید نوری پرسشی که حقوق بین‌الملل را به خود مشغول خواهد ساخت، موضوع مصونیت در زمان تصدی یک سمت دیپلماتیک خواهد بود. اینکه با توجه به نمونه حمید نوری چطور می‌شود که او محکوم شده و رئیس او یعنی ابراهیم رئیسی که در زمان وقوع جنایت مورد اتهام عضو هیئت مرگ و فرد بالادست حمید نوری بوده و اکنون رئیس دولت این نظام است از مصونیت دیپلماتیک برخوردار باشد؟!!

- شاید یکی از کارهایی که زندانیان سیاسی سابق می‌توانند انجام دهند تهیه یک فرهنگ لغت فارسی به فارسی مربوط به زندان و زندانی باشد که در چنین دادگاهی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

\*\*\*\*\*

### شناخت ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق ملی کشورها

دستگیری و بازداشت ۲۱ ماهه و برگزاری ۵۵ جلسه دادگاه تا شروع تنفس به دلیل تعطیلات سال نو میلادی (مستقل از حکم نهائی دادگاه که هنوز باید منتظر آن باشیم)، نشان داد که راهکارهای حقوق بین‌الملل به عنوان یک ابزار موثر در تحت تعقیب قرار دادن، دستگیری و محاکمه عاملین و آمرین جنایت در جمهوری اسلامی، موثر هستند. اگرچه دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم تنها به آندسته از شکایت‌های مرتبط با جنایت

علیه بشریت که قبل از ژوئیه ۲۰۰۲ (تاریخ لازم‌الاجرا شدن) به وقوع پیوسته باشد، رسیدگی می‌کند، اما هنوز در قوانین ملی کشورهای دموکراتیک می‌توان ظرفیت‌هایی را یافت که با کمک آنها می‌توان به موارد قبل از این تاریخ نیز رسیدگی کرد<sup>۳</sup>.

دستگیری حمید نوری بر اساس قوانین کشور سوئد، در چهارچوب جنایت جنگی و قتل عمد، یک نمونه مشخص و بسیار مثبت در این زمینه است<sup>۴</sup>.

این تجربه به دادخواهان و ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی می‌آموزد هر قدر بیشتر و هر میزان بهتر این قوانین را بشناسند، بیشتر می‌توانند از این ابزار در عرصه بین‌المللی به نحو موثرتری علیه آمرین و عاملین جنایت‌های مرتکب شده در ایران استفاده کنند.

### اهمیت محرمانه بودن تا زمان دستگیری

تجربه به دام انداختن و دستگیری حمید نوری می‌آموزد که دستگیری آمرین و عاملین متهم به جنایت جنگی باید در نهایت پنهانکاری و به دور از فعالیت‌های تبلیغی و جنجالی باشد. چه بسا با کمک چنین تجربه‌ای می‌شد آخوند شاهرودی را که برای معالجه به آلمان آمده بود، به دور از جنجال تبلیغاتی به دام انداخت. سوژه‌ای که قرار است دستگیر شود نباید تا زمان تشکیل پرونده از سوی دادستان از آنچه در انتظار اوست باخبر شود وگرنه می‌تواند از دام جسته و فرار کند. به ویژه اینکه این افراد از پشتیبانی دیپلماتیک جمهوری اسلامی و سفارتخانه‌هایش برخوردار بوده و با پناه گرفتن در آنجا می‌توانند نقشه دستگیری خود را کاملاً بهم بزنند.

مبارزه حقوقی امری سخت و طاقت‌فرساست. دانش حقوقی و تجربه نیاز دارد. هزینه‌بر است و زمان طولانی نیاز دارد تا به نتیجه برسد. همین موضوع باعث می‌شود تا عده‌ای که فقط به کار تبلیغاتی و جنجال علاقمند هستند با مطرح کردن خود و ایجاد سر و صدا به نحوی غیرمسئولانه سوژه‌ای را که می‌توانست با کار حرفه‌ای حقوقی به دام بیافتد (آخوند شاهرودی) فراری دهند. دستگیری حمید نوری می‌آموزد اگر استراتژی و تاکتیک مناسب به کار گرفته شود، شانس موفقیت برای دستگیری آمرین و عاملین جنایت‌های مرتکب شده توسط جمهوری اسلامی بالاست.

### اهمیت مستندسازی دقیق

تجربه دستگیری حمید نوری نشان داد، زمانی دادستانی می‌تواند پرونده‌ای را به جریان بیاورد که هم شاکلی و شاهد و هم اسناد اولیه لازم در مورد اتهامات مورد نظر آماده و ترجمه شده و موجود باشد. چنین کار تدارکاتی،

مژن کامل اساننامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم<sup>۳</sup>  
<https://iranhrdc.org/fa/%D9%85%D8%AA%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85/>

پرونده حمید نوری؛ اتهام‌های مظنون کشتار ۱۳۶۷ چیست؟<sup>۴</sup>  
<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-55878581>

دقت، برنامه‌ریزی، وقت، پول و مهمتر از همه سازماندهی و پنهانکاری نیاز دارد. از آنجا که مدت زمان بازداشت مظنونین به جنایت علیه بشریت و... در کشورهای مختلف متفاوت است (اغلب بین ۲۴ تا ۷۲ ساعت)، این اسناد و مدارک باید از قبل آماده باشند و گرنه چه بسا دادستان نتواند فرد دستگیر شده را بیش از زمان قانونی مقرر در بازداشت نگه داشته و ناچار شود او را به دلیل کافی نبودن مدارک یا نبود شاکای خصوصی و شاهد آزاد کند.

### اهمیت وکلای صالح و با تجربه

تجربه دستگیری حمید نوری نشان داد که دسترسی به وکلای صالح و با تجربه و مسلط به قوانین کیفری بین‌المللی برای به جریان انداختن چنین پرونده‌ای در مجرای درست ضروریست. هر وکیلی صلاحیت ورود به چنین پرونده‌ای را ندارد.

### اهمیت تحقیقات مقدماتی

در تحقیقات مقدماتی در نزد پلیس از شاهدین و شاکیان در مورد شخص مورد اتهام و بسیاری از جزئیات مرتبط با موضوع اتهام، بازجویی و سوال و جواب به عمل آمده و ثبت می‌گردد. اسناد و مدارکی که شاهد یا شاکی برای ارائه دارند نیز در این مرحله جمع‌آوری می‌شود. در جریان دادگاه هر نوع تناقض بین گفته‌های فرد در حضور قاضی با آنچه در تحقیقات مقدماتی گفته یا ارائه گردیده، مطابقت داده شده و اهمیت دارد.

### اهمیت کسب آمادگی برای بازجویی جهت تحقیقات مقدماتی و یا شهادت در دادگاه

برای آنکه بتوان در بازجویی مقدماتی و یا ادای شهادت در دادگاه، به سوالات به نحو دقیق و کامل و بدون تناقض پاسخ داد، مهم است که از قبل در مورد وقایعی که فرد شخصا تجربه کرده یا مستقیم شنیده، فکر کرده و آن موارد را در ذهن مرور کند. اگرچه این کار دشوار است و به دلیل مرور زمان خیلی از جزئیات به راحتی قابل زنده شدن نیستند، اما می‌توان از قبل با وکیل تمرین کرد یا با روش مناسب (مثلا یادداشت‌نویسی بر اساس تسلسل زمانی) تلاش کرد تا دقت کار بالا برود.

نکته مهم آنکه چه در مرحله مقدماتی در نزد پلیس یا در زمان ادای شهادت در دادگاه باید تا حد ممکن دقیق و با جزئیات صحبت کرد. باید از کلی‌گویی و پراکنده‌گویی پرهیز نمود و در پاسخ به سوال مورد نظر، بطور مشخص به همان سوال پاسخ داد.

این موضوع به ویژه در مورد ایرانیان موضوع مهمی است زیرا تجربه‌ای از یک سیستم قضائی قانونمند ندارند و در نزد بسیاری از آنها «کلی‌گویی و نادقیق حرف زدن» به صورت یک رفتار بدیهی روزمره در آمده است (منظور تعمیم این رفتار به تک تک ایرانیان نیست بلکه جنبه غالب آن به عنوان یک رفتار اجتماعی مورد نظر است). مهم است که اهمیت «دقت» در حرف زدن در موارد حقوقی خوب درک شده و حتما تمرین شود. ادای

شهادت بطور رسمی در دادگاه یا یک اداره با حرف زدن بطور عادی یا گپ زدن خودمانی یا تعریف خاطره در بین یک جمع تفاوت دارد.

یک مثال مهم در این مورد: در جلسات تا کنون برگزار شده در دادگاه، مواردی پیش آمده که افراد مختلف در مورد یک واقعه مشخص حرف‌های متفاوت یا حتی متضاد ارائه داده یا لیست اسامی اعدام‌شدگان به لحاظ نام و نام خانوادگی و تاریخ یا محل اعدام تفاوت‌هایی داشته است. اگرچه همه این موارد ممکن است توضیح قانع‌کننده‌ای داشته باشد، اما در عین حال زیاد بودن تعداد موارد تناقض می‌تواند مشکل‌ساز شود. می‌توان با کسب آمادگی مناسب، میزان چنین خطاهایی را کاهش داد.

### تأثیر احتمالی محکومیت حمید نوری در حقوق بین‌الملل و امکان ایجاد تغییرات جدید

در صورت محکومیت حمید نوری پرسشی که حقوق بین‌الملل را به خود مشغول خواهد ساخت، موضوع مصونیت در زمان تصدی یک سمت دیپلماتیک خواهد بود. اینکه با توجه به نمونه حمید نوری چطور می‌شود که او محکوم شده و رئیس او یعنی ابراهیم رئیسی که در زمان وقوع جنایت مورد اتهام عضو هیئت مرگ و فرد بالادست حمید نوری بوده و اکنون رئیس دولت این نظام است از مصونیت دیپلماتیک برخوردار باشد؟!

### نگاهی به برخی تجارب

ترجمه همزمان و پخش زنده جلسات محاکمه حمید نوری یک فرصت بزرگ برای انتقال تجارب مرتبط با حقوق بشر، چگونگی برگزاری یک دادگاه صالح و منطبق با استانداردهای بین‌المللی است. چه خوب که حمید نوری که متهم است، اولین کسی است که از چنین فرصتی برخوردار می‌شود. حقوق بشر، خودی و غیرخودی ندارد و در مورد همه باید بطور برابر رعایت شود.

باید امیدوار بود تا در ایران آینده آزاد و دموکراتیک که بعد از جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد، با همه جنایتکاران با عدالت و به دور از انتقام، منطبق با قانون، با احترام انسانی و به دور از توهین و تحقیر رفتار شود. آنها از همه حقوق قانونی در دادرسی عادلانه برخوردار بوده و در طول مدت بازداشت و محاکمه نیز از امکانات رفاهی استاندارد در حقوق بین‌الملل برخوردار باشند.

حمید نوری برای دادخواهان یک جنایتکار است، اما به لحاظ حقوقی اصل بر «برائت» است و تا زمانی که حکم نهایی دادگاه صادر نشده و حتا بعد از آن، او یک شهروند است و باید مانند هر فرد دیگر کرامت انسانی و حقوق شهروندی اش محترم شمرده شده و رعایت شود.

اگر بتوان با دشمنان خود بر اساس قانون و به دور از انتقام و بدون نقض حقوق انسانی رفتار کرد، آنگاه نه تنها در عرصه قدرت و سیاست، بلکه انسان در عرصه اخلاق نیز برنده و پیروز است. و این، آن تفاوت مهم دادخواهان و باورمندان به حقوق بشر با حکومت جنایتکار حاکم بر ایران است.

## دقت و کیفیت ترجمه شفاهی همزمان

دادگاه حمید نوری نشان داد که چه در مرحله مقدماتی و نزد پلیس و چه در دادگاه، ترجمه همزمان می‌تواند به دلایل مختلف از کیفیت و دقت لازم برخوردار نباشد. تاکید بر این موضوع بدون ارزش‌گذاری میزان تسلط مترجمین است که بسیار هم زحمت می‌کشند. البته صلاحیت اینکه مشکلات موجود تا کجا تعیین کننده بوده، با کارشناسان است. اما در هر صورت کیفیت ترجمه و میزان دقت آن یک موضوع مهم است. روزهای اول شروع دادگاه این موضوع چشمگیرتر بود و بعداً شدت آن کمتر شد.

## ترجمه دست‌چندم مدارک نوشتاری و کتبی

برخی از مدارک و اسناد ارائه شده در بازپرسی مقدماتی و در دادگاه، ترجمه‌های کتبی اسنادی هستند که اصل آنها فارسی بوده و یکبار به انگلیسی ترجمه شده و اینک برای ارائه به دادگاه، متن انگلیسی به سوئدی ترجمه شده است. این چند دست ترجمه شدن می‌تواند دقت اولیه متن اصلی را کاهش دهد. میزان تأثیر این عدم دقت را باید کارشناسان تعیین کنند.

## فرهنگ لغت زندان و زندانی

فرهنگ لغت داخلی زندانیان با هم: زندانیان فرهنگ لغت خاص خودشان را دارند. مترجم‌ها با این فرهنگ آشنا نبوده و برای انتقال مفهوم مورد نظر باید ابتدا خودشان آن مفهوم را درست متوجه شوند تا بتوانند درست ترجمه کنند. ترجمه چنین واژه‌هایی به صورت لغت به لغت امکانپذیر نبوده و اغلب نیازمند توضیح است. مثلاً: ملی‌کش، اتاق گاز، تونل، تواب، مورس، چشم‌بند، سالن، زیر هشت، هواخوری و...

فرهنگ لغت خاص ایدئولوژیک و مذهبی: سیستم قضائی جمهوری اسلامی مبتنی بر اسلام است و در نوشتارهای رسمی یا صحبت‌های غیررسمی و محاوره‌ای و یا امور اداری لغات یا اصطلاحات یا مفاهیم مذهبی استفاده می‌شود. چه بسا در برخی موارد یک کلمه می‌تواند با جان انسان بازی کند. مثلاً: منافق یا مجاهد، محارب، مرتد، باغی، فتوا، حکم و...

تهیه یک فرهنگ لغت که چنین مفاهیمی را توضیح دهد نیز ضروریست. به ویژه اینکه در برخی موارد هر کدام از این واژه‌ها می‌تواند متفاوت از هم تفسیر شود.

چنین فرهنگ لغتی نیاز به یک لیست ضمیمه در مورد سازماندهی اداری در دستگاه قضائی و زندان و سیمت و مدارج مختلف مسئولین، کارمندان زندان و زندانبانان دارد. حتا برخی اصطلاحات مرتبط با افراد می‌تواند نقش آنها را و اینکه یک پسوند یا پیشوند در جلوی اسم او تا کجا می‌تواند گویای نقش پررنگ‌تر آن فرد در سلسله مراتب اداری باشد، نشان دهد. مثلاً: حاج آقا، پاسدار، برادر، خواهر...

حتا برخی مناسبت‌ها یا امکان در ارتباط با حوادث سیاسی ایران بعد از انقلاب و زندان و زندانیان سیاسی نیز اهمیت داشته که می‌توان آنرا جداگانه لیست کرد. مثلا: عید قربان، دهه فجر، ۳۰ خرداد، خاوران، لعنت آباد و...

شاید یکی از کارهایی که زندانیان سیاسی سابق می‌توانند انجام دهند تهیه یک فرهنگ لغت فارسی به فارسی مربوط به زندان و زندانی باشد که در چنین دادگاه‌هایی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

### اهمیت مستندسازی و راست‌آزمایی ادعاها و اسناد و مدارک

اسناد رسمی که بتوان در یک دادگاه صالح و در اثبات جنایت‌های مرتکب شده توسط جمهوری اسلامی ارائه داد، بسیار محدود است. تا زمانی که نظام کنونی هنوز در ایران حاکم باشد اساس رسیدگی حقوقی به اتهامات مطرح شده در دادگاه حمید نوری (یا دادگاه‌های احتمالی در آینده در مورد دیگر آمرین و عاملین جنایت در ایران) بر اساس شهادت شاکیان و شاهدین است. از آنجا که در یک دادگاه صالح مبتنی بر دادرسی عادلانه، اصل بر «برائت» است، حرف‌ها و گفته‌های شاهدین یا شاکیان فقط یک «ادعا» است. برای اطمینان از درست بودن این ادعاها باید آنها را راست‌آزمایی کرد. راست‌آزمایی از طریق سوال و جواب‌های متعدد و از طریق مطابقت دادن گفته‌های فرد با گفته‌ها و نوشته‌های دیگر خودش در جای دیگر یا از طریق مطابقت دادن با گفته‌ها و نوشته‌های دیگران صورت می‌گیرد.

**اهمیت به باور رساندن** گفته‌های هر فرد در دادگاه باید قابل باور باشد. آن گفته‌ای قابل باور است که انجام داشته باشد، دارای جزئیات دقیق باشد، به دور از کلی‌گویی بوده و بر موارد مشخص تمرکز کند، مبالغه‌آمیز نباشد، از تناقض تهی بوده و سرانجام اینکه احساسات فرد در زمان بیان آن خاطرات یا وقایعی که از آن صحبت می‌کند منطبق با آن گفته‌ها و وقایع باشد. حرکات بدن و صورت و حالت چهره یا تن صدای فرد در زمان حرف زدن و... احساسات او را در زمان صحبت منعکس می‌کند. هر قدر بروز احساسات، طبیعی و عادی و به دور از مبالغه باشد، در کنار دیگر مواردی که بیشتر اشاره شد، میزان قابل باور بودن آن فرد و در نتیجه قابل باور بودن گفته‌هایش **بالتر می‌رود**.

نبايد از بروز احتمالی تناقض ترسید و دچار اضطراب شد. بین تناقض با دروغ، تفاوت وجود دارد و قاضی می‌تواند چنین تفاوتی را تشخیص دهد. برخی تناقض‌ها کوچک ولی برخی بزرگ یا تعیین کننده هستند. کسب آمادگی کمک می‌کند تا از بروز ناخواسته تناقض‌های بزرگ و تعیین کننده که معمولا به دلیل اضطراب یا کمبود حافظه پیش می‌آید جلوگیری کرده یا امکان بروز آن را به حداقل رساند.

**قابل باور بودن اسناد مکتوب**: گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی و نیز خاطرات مکتوب یا شفاهی زندانیان سیاسی یا بازماندگان اعدام شدگان نیز یکی دیگر از منابعی است که دادگاه از آنها استفاده می‌کند. با وجود تلاش‌های ارزشمند انجام شده فردی یا دستجمعی از سوی تشکل‌های حقوق بشری ایرانی و یا بین‌المللی یا تلاش گروه‌های سیاسی مختلف، اسناد موجود پراکنده و در مواردی متناقض هستند. برخی یا بخشی

اهمیت قابل باور بودن و درک و برداشت شخصی در ارتباط با راستی آزمایی- دکتر گونفر پرتیل، رئیس هیئت قضات دادگاه ایالتی مونیخ<sup>5</sup>  
[http://www.zjs-online.com/dat/artikel/2017\\_4\\_1134.pdf](http://www.zjs-online.com/dat/artikel/2017_4_1134.pdf)



از این اسناد به دلیل انگیزه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک از دقت لازم برخوردار نیستند. این اسناد شامل اسامی اعدام شدگان، مشخصات فردی و خانوادگی آنها، زمان، مکان و نحوه اعدام است. تا کنون در جریان دادگاه حمید نوری در این زمینه برخی اشکالات مشاهده شده است. در مواردی اسامی تکراریست و یا دقیق و کامل نیستند؛ مشخصات داده شده کامل نبوده یا اطلاعات داده شده از سوی یک گروه با اطلاعات داده شده توسط گروه دیگر مطابقت نداشته یا متناقض است. مثلاً فردی که در درگیری مسلحانه کشته شده، در لیست اعدامی آورده شده. چنین اشکالاتی می‌تواند در مواردی مهم بوده و موجب شود تا یک مدرک یا یک شهادت در دادگاه به دلیل نداشتن اعتبار کافی، حذف گردد.

### ایجاد مرکز حقیقت‌یابی و راست‌آزمایی

تجربه دادگاه حمید نوری ضرورت وجود یک مرکز هماهنگی برای گردآوری و یکدست کردن اسناد موجود مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران را نشان می‌دهد. سازمان‌های حقوق بشری ایرانی می‌توانند چنین مرکزی را در همکاری و هماهنگی با هم ایجاد کنند. مراکز حقوق بشری ایرانی موجود تا کنون تلاش‌های بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند، اما تجربه دادگاه حمید نوری ضعف‌هایی را نشان داد که باید تصحیح شوند. دادگاه حمید نوری هر ادعا و هر سندی را راست‌آزمایی می‌کند. این وظیفه دادگاه بوده و اتفاقاً همان استاندارد است که از یک دادگاه صالح بین‌المللی در یک کشور دموکراتیک انتظار می‌رود.

ایجاد یک مرکز هماهنگی برای گردآوری اسناد مرتبط با دادخواهی در دوره حکومت اسلامی، می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد یک مرکز حقیقت‌یابی در دوره بعد از حکومت اسلامی باشد. مرکزی که اسناد مختلف را گرد آورده، با هم مطابقت دهد و سرانجام راست‌آزمایی و درجه‌بندی و دسته‌بندی کرده و آنها را در یک بانک اطلاعاتی به نحوی گردآوری کند که بتواند در کوتاه‌ترین زمان، اطلاعات لازم در مورد آمرین، عاملین، مراکز جنایت و نیز قربانیان را در اختیار قرار دهد. چنین مرکزی می‌تواند شاکیان را در مورد ارائه شهادت در بازپرسی و در دادگاه آموزش داده و راهنمایی کند. بر این اساس، دادگاه حمید نوری آموزشده‌ای است که می‌توان از آن برای حقیقت‌یابی در ایران بعد از جمهوری اسلامی کمک گرفت.

## دوم: در عرصه سیاسی- اجتماعی



تاکید دگم برخی گروه‌های سیاسی و جریان‌های فکری بر «هویت ایدئولوژیک- تشکیلاتی» اعدام‌شدگان، که اگر زنده می‌مانند چه بسا مانند بسیاری از همفکران خود، راه و رسم دیگری در پیش می‌گرفتند، نزدیکی و همبستگی دادخواهان را با مشکل روبرو می‌کند. اما بازماندگان و دادخواهان اعدام‌شدگان درد مشترک داشته و همبستگی آنان می‌تواند تلاش آنها را در عرصه‌های بین‌المللی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی بسیار مؤثرتر کند. همچنین محاکمه حمید نوری مبارزه داخل و خارج کشور را بهم پیوند زده و شکافی را که رژیم می‌خواهد بین این دو جبهه از ایرانیان بیاندازد کمتر می‌کند. بدون تلاش و پیگیری خستگی‌ناپذیر بخشی از ایرانیان خارج کشور امکان نداشت یکی از متهمان کشتاری که در داخل انجام گرفته، تحت پیگرد قرار گرفته و در برابر دادگاهی صالح مجبور به پاسخگویی شود!

\*\*\*\*\*

### پیامدها در عرصه سیاست خارجی تشدید انزوای بین‌المللی

تشکیل دادگاه حمید نوری تا همین الان به انزوای بین‌المللی رژیم دامن زده و در صورت صدور حکم محکومیت علیه حمید نوری، با توجه به نقش ابراهیم رئیسی به عنوان عضو هیئت مرگ، این حکم می‌تواند علاوه بر تشدید هرچه بیشتر انزوای بین‌المللی رژیم، به عنوان ابزار فشار بر جمهوری اسلامی در نهادهای مختلف بین‌المللی نیز

مورد استفاده قرار بگیرد. ابراهیم رئیسی به عنوان بالاترین فرد در دستگاه اجرایی و رئیس دولت کنونی در نظام جمهوری اسلامی و به عنوان فردی که عضو هیئت مرگ بوده و در کشتار زندانیان سیاسی مسئولیت داشته، در روز اول بعد از اعلام رسمی تشکیل دولت و در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود در مورد این کشتار مورد پرسش قرار گرفت. رئیسی در هراس از آنکه در سفرهای خارجی به کشورهای دموکراتیک، در همین ارتباط مورد پرسش رسانه‌های آزاد قرار بگیرد یا حتی در وحشت از احتمال اعلام جرم از سوی دادستانی در این کشورها در ارتباط با کشتار ۶۷، ناچار است مانند خامنه‌ای و رفسنجانی و بسیاری دیگر از مقامات حکومت از چنین سفرهایی چشم‌پوشد. اگرچه رئیسی از مصونیت دیپلماتیک برخوردار است، اما حتی تصور طرح احتمالی اعلام جرم از سوی دادستان در یک کشور آزاد علیه او، یک بمب خبری بزرگ بوده و اعتبار نداشته‌ی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر در برابر افکار عمومی به نمایش خواهد گذاشت و گسترش روابط دیپلماتیک و حتی روابط تجاری با آن را با ریسک بیشتری همراه خواهد کرد.

### مطرح شدن بیشتر نقض حقوق بشر در ایران در رسانه‌های کشورهای غربی

حداقل دستاورد دادگاه حمید نوری، طرح وسیع‌تر مسئله نقض حقوق بشر در ایران، به ویژه کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در رسانه‌های کشورهای آزاد است. از آنجا که چنین موضوعی به حساسیت جوامع دامن خواهد زد و از آنجا که سیاستمداران در این کشورها برای جذب رای‌دهندگان ناچار هستند به حساسیت‌های آنها توجه کنند، نزدیکی علنی رهبران تراز اول این کشورها به ابراهیم رئیسی آسان نخواهد بود و چه بسا برایشان درس‌ساز شود. در چنین شرایطی، بسیار بعید است که رهبر یک کشور دموکراتیک بخواهد با پذیرش از دست دادن حمایت رای‌دهندگان، خطر دیدار با فردی مانند ابراهیم رئیسی را بپذیرد.

### تأثیر بر فعالیت ایرانیان در خارج از کشور

توجه رسانه‌های کشورهای آزاد به موضوع کشتار سال ۶۷ و دادگاه حمید نوری و انتشار مقاله‌های مختلف به زبان‌های گوناگون در رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی کشورهای آزاد، زمینه مناسبی ایجاد کرده تا فعالین حقوق بشر و مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی، گوش شنوای بیشتری پیدا کنند. چنین زمینه مساعدی اگر درست مدیریت شود، می‌تواند افزایش حمایت اجتماعی در کشورهای غربی را به دنبال داشته و شرایط مساعدتری برای فعالیت‌های سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی و ارتباط برقرار کردن با احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی در این کشورها فراهم سازد. از این شرایط مناسب می‌توان برای متقاعد کردن دولت‌های این کشورها جهت اعمال فشارهای بیشتر بر جمهوری اسلامی و حمایت آنها از اعتراضات و جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک مردم ایران استفاده کرد.

### پیامدها در عرصه سیاست داخلی

#### شکست سیاست انکار و تحریف

در ارتباط با کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، تلاش تمام حاکمیت در جمهوری اسلامی بر سکوت و انکار در این مورد متمرکز بود. به دلیل تلاش مادران خاوران در سی و سه سال گذشته و فعالیت گروه‌های مختلف در

خارج از کشور و انعکاس فعالیت آنها در رسانه‌های مختلف، این سیاست رژیم عملاً ناکام ماند. بعد از انتشار فایل صوتی آیت‌الله حسینعلی منتظری در دیدار با «هنیئت مرگ» در این مورد، موضوع کشتار تابستان سال ۶۷ هرچه بیشتر علنی- اجتماعی شد و برخی از رهبران حکومت برای توجیه آن تلاش کردند. دادگاه حمید نوری فرصتی به وجود آورد تا بار دیگر توجه افکار عمومی در داخل کشور به این موضوع در ابعاد بسیار وسیع‌تر جلب شده و به ویژه شهادت شاهدین در دادگاه، بسیاری از جزئیات مربوط به عمق جنایت در زندان‌های حکومت اسلامی در مورد فعالین سیاسی در دهه ۶۰ را برای نسل جوان روشن‌تر می‌کند. چنین موضوعی سیاست تحریف با هدف ایجاد شکاف نسلی را که جمهوری اسلامی آگاهانه به آن دامن می‌زند، شکننده کرده است.

در ویدئوی زیر که البته قبل از شروع محاکمه حمید نوری تهیه شده، می‌توان دید که بین بخشی از نسل جدید حاضر در ایران عطش زیادی برای شناخت حقیقت در رابطه با تاریخ سیاسی کشور در دوره ۴۳ ساله جمهوری اسلامی وجود دارد.<sup>۶</sup> موضوع این ویدئو به یکی از تلاش‌های دستگاه‌های امنیتی- تبلیغی حکومت برای تحریف تاریخ و ربط دادن کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ به عملیات نظامی سازمان مجاهدین موسوم به «فروغ جاویدان» می‌پردازد. اگرچه می‌توان مشاهده کرد که این ویدئو به لحاظ فنی چندان حرفه‌ای نیست اما این موضوع مانع نشده تا تهیه‌کنندگان آن به سهم خود برای حقیقت‌یابی تلاش نکنند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که در آینده یکی از پیامدهای دادگاه حمید نوری گرایش هرچه بیشتر نسل جوان در ایران برای شناخت حقایق مربوط به جنایت‌های جمهوری اسلامی باشد. نشانه‌های چنین گرایشی را می‌توان از هم‌اکنون در بازتاب دادگاه حمید نوری در شبکه‌های اجتماعی از جمله در کلاب‌هاوس مشاهده کرد. استمرار پخش زنده جلسات دادگاه حمید نوری و گفتگو و تحلیل‌های بعد از آن، شکاف نسلی و بی‌خبری مردم از وقایع دهه شصت و ابعاد مختلف جنایت در آن زمان را تا حدودی کم کرده و آگاهی عمومی نسبت به آن زمان، به ویژه در مورد نسل دوم و سوم را بالا می‌برد.

### نزدیکی دادخواهان به همدیگر

دادگاه حمید نوری و موضوع «دادخواهی»، زمینه مناسبی ایجاد کرده تا بازماندگان و همه آنان که حق حیات عزیزانشان در ۴۳ سال گذشته از سوی حکومت اسلامی در ایران از آنان سلب شده، بهم نزدیک شده و اجازه ندهند که تفاوت‌گرایی‌های سیاسی و فکری، آنها را در این مسیر از هم دور کند. در این مورد همانقدر که زمینه مناسب برای نزدیکی و همبستگی وجود دارد، تاکید دُگم برخی گروه‌های سیاسی و جریان‌های فکری بر «هویت ایدئولوژیک- تشکیلاتی» اعدام‌شدگان، که اگر زنده می‌ماندند چه بسا مانند بسیاری از هم‌فکران خود، راه و رسم دیگری در پیش می‌گرفتند، این نزدیکی و همبستگی را با مشکل روبرو می‌کند. اما بازماندگان و دادخواهان آنها درد مشترک داشته و همبستگی آنان می‌تواند تلاش آنها را در عرصه‌های بین‌المللی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی بسیار مؤثرتر کند. همچنین محاکمه حمید نوری مبارزه داخل و خارج کشور را بهم پیوند زده و شکافی را که رژیم می‌خواهد بین این دو جبهه از ایرانیان بیاندازد کمتر می‌کند. بدون تلاش و پیگیری خستگی‌ناپذیر بخشی از ایرانیان خارج کشور امکان نداشت یکی از متهمان کشتاری که در داخل انجام گرفته، تحت پیگرد قرار گرفته و در برابر دادگاهی صالح مجبور به پاسخگویی شود!

تحریف‌های تاریخی در فیلم رد خون (ماجرای نیمروز ۲)، شخصیت واقعی کمال، عباس زریباف، صادق و... بروایات شاهدان<sup>۶</sup>  
<https://www.youtube.com/watch?v=RhxC3fMCQdo>

### افزایش آگاهی نسبت به یک دستگاه قضائی مستقل و دادرسی عادلانه

مردم در ایران همانگونه که دمکراسی را تجربه نکرده‌اند، تصویری هم از یک دستگاه قضائی مستقل و یک دادرسی عادلانه در ذهن ندارند. آنچه آنان از یک دستگاه قضائی می‌شناسند مبتنی است بر دروغ، تحریف، بی‌عدالتی، چاپلوسی، زبان‌بازی، پارتی‌بازی، رشوه دادن و گرفتن، پرونده‌سازی، ناحقی و بی‌حقی و نقض سیستماتیک و روزمره پایه‌ای‌ترین حقوق شهروندی همگان. در چنین شرایطی، ترجمه همزمان جلسه‌های دادگاه حمید نوری و پخش آن از طریق رسانه‌های اجتماعی به افزایش سطح درک و آگاهی عمومی نسبت به روند عادلانه یک سیستم قضائی مستقل و مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی کمک می‌کند. این درک و آگاهی توقع مردم را نسبت به تغییر در سیستم قضائی قرون وسطائی حاکم بر ایران بالاتر می‌برد.

### محاکمه حمید نوری، محاکمه تمامیت جمهوری اسلامی

وقتی مردم در ایران می‌بینند که یکی از عاملین کشتار ۶۷ دستگیر شده، امید آنها نسبت به اجرای عدالت بیشتر می‌شود و این طلسم غیرواقعی را که عاملین و آمرین جنایت در ایران می‌توانند بدون پاسخگویی همچنان و همواره در امان باشند می‌شکند. این موضوع روحیه مبارزه مردم در مبارزه علیه رژیم حاکم بر ایران را تقویت می‌کند. حمید نوری هرچند یک مهره دست‌چندم در سلسله مراتب ماشین سرکوب و کشتار محسوب می‌شود، اما او نماینده جمهوری اسلامی است. دفاع ایدئولوژیک او از نظام و حضور نماینده‌های سفارت جمهوری اسلامی در سوئد در جلسات دادگاه او این پیام را می‌دهد که این تنها حمید نوری نیست که محاکمه می‌شود، بلکه او به نمایندگی از این نظام در حال محاکمه شدن است. محاکمه او به مردم در مبارزه علیه این رژیم قوت قلب داده و این پیام را می‌رساند که سرانجام روزی عدالت پیروز خواهد شد. همه اینها جبهه سرنگونی‌طلبان و مخالفین آزادیخواه جمهوری اسلامی را تقویت می‌کند.

### افزایش شکاف بین نیروهای سرکوبگر

بسیاری از آمرین و عاملین درون نظام با مشاهده محاکمه حمید نوری، به ویژه اگر حکم محکومیت او صادر شود، محاسبه خواهند کرد که آیا ادامه حمایت از این نظام جنایتکار ارزش دارد و آیا آنها می‌خواهند همچنان آینده خود و خانواده‌شان را به آینده این نظام که سرانجام مردم بر آن پیروز خواهند شد گره بزنند؟ چنین محاسبه‌هایی تردید در میان نیروهای سرکوبگر را تقویت کرده و می‌تواند زمینه‌ساز ریزش بیشتر و شکاف عمیق‌تر میان آنان شود.

### فرصتی برای وجدان‌ها

حمید نوری ادعا می‌کند که در زمان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در مرخصی بوده و چون همسرش حامله بوده و بعداً زایمان داشته، او اصلاً در زندان نبوده است. او همچنین کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را کاملاً رد می‌کند. حتماً همسر و فرزندان حمید نوری و افراد خانواده و فامیل او می‌توانند به آسانی دروغ بودن

چنین ادعاهایی را اثبات کنند. اگر آنها حرف بزنند. یا اگر آنها اسنادی را که در اختیار دارند در اختیار دادستان سوئد قرار دهند، این کمک بزرگی به یافتن حقیقت خواهد بود.

محاکمه حمید نوری یک فرصت بزرگ برای آنهایی به شمار می‌رود که در ۴۳ سال گذشته در سطوح مختلف در نهادهای مختلف این نظام در سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام و کشتار مردم ایران دست داشته یا از جزئیات آن با خبر هستند. این افراد اگر به ندای وجدان خود گوش فرا دهند، حداقل کاری که می‌توانند بکنند این است که در حقیقت‌یابی و پرده برداشتن از جنایت‌های این حکومت، اطلاعات و دانسته‌های خود را در اختیار سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی قرار دهند. راه‌های مختلف و متعددی برای چنین کاری وجود دارد.

شکنجه و تجاوز و اعدام و کشتار در ایران توسط جمع کوچکی برنامهریزی و اجرا نشده و نمی‌شود. ده‌ها هزار نفر در سال‌های گذشته در مراحل مختلف اجرائی آن دخالت داشته و هر کدام از گوشه‌های کوچک از این جنایات باخبرند. یک سرباز ساده یا یک پاسدار ساده که نگرهبانی داده یا رانندگی کرده و از این طریق در جریان واقعه‌ای قرار گرفته، راننده کامیونی که پیکر بی‌جان اعدامی‌ها و تیرباران شدگان را حمل کرده، راننده لودری که گورهای دستجمعی را حفر کرده و بعد مسطح کرده است، کارمندان گورستان‌ها در سراسر ایران، افرادی که در دستگاه قضائی این نظام در شهرهای مختلف به چنین مدارکی دسترسی دارند، و نیز خانواده‌های مسئولین و خدمتگزاران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در سطوح مختلف در جایگاه آمر و عامل که مستقیم یا غیرمستقیم در جریان این جنایت‌ها قرار داشته یا قرار گرفته‌اند، همه و همه می‌توانند با ارائه حقایق و دانسته‌های خود به نهادهای حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی، به وظیفه‌ی انسانی و وجدانی خود عمل کنند تا حتا در خلوت خود نیز شریک جنایات و تبهکاری‌های این رژیم نباشند.

آری! در مبارزه علیه فراموشی و در تلاش برای جستجو و یافتن حقیقت، هر کدام از ایرانیان می‌توانند مؤثر باشند.

ویدئویی زیر یکی از این موارد است که کارمند یک آرامستان در شیراز مشاهدات خود را در مورد اعدام‌ها و محل دفن تیرباران‌شدگان توضیح می‌دهد. (دقیقه ۳۴ تا ۳۷)<sup>۷</sup>

<sup>7</sup> "انها که گفتند نه!"

<https://www.youtube.com/watch?v=-jTK94UBns0&t=2040s>

## سوم: برخی مشکلات و کمبودهای جنبش دادخواهی



- حمایت افراد با تخصص‌های مختلف در زمینه حقوق بین‌الملل، تاریخ، جامعه‌شناسی، روانشناسی یا دیگر تخصص‌ها می‌تواند مستندسازی درباره این محاکمه را تقویت کند. چنین گروهی می‌تواند از دل این تجربه، گزارش‌های موضوعی مختلفی را تهیه و تنظیم کند که در صورت دستگیری یکی دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی بتوان از آن برای ارتقاء کیفیت و سرعت کار استفاده کرد. همچنین یک تجربه مستندشده می‌تواند در فردای ایران بعد از جمهوری اسلامی، به گروه‌های حقیقت‌یاب کمک کند.

\*\*\*\*\*

دادگاه حمید نوری تا کنون با مشکلات متفاوتی روبرو بوده و تجارب زیادی نیز به همراه داشته است. بعد از پایان دادگاه و به ویژه پس از صدور حکم نهائی دادگاه می‌توان این تجارب و مشکلات را عمیق‌تر مورد بررسی قرار داد. در میانه راه اما می‌توان در همین ارتباط نگاهی کوتاه به این محاکمه تاریخی داشت.

### عدم تجربه

دادگاه حمید نوری نخستین تجربه جنبش دادخواهی در طول حاکمیت ۴۳ ساله جمهوری اسلامی است. این اولین بار است که یک دادگاه صالح در یک کشور دمکراتیک بر اساس قوانین بین‌المللی، یکی از متهمین به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی را مورد محاکمه قرار می‌دهد. در نبود چنین تجربه‌ای، طبیعی است که دادخواهان، گروه‌های حقوق بشری، فعالین سیاسی و اجتماعی، اندیشه‌ورزان و رسانه‌ها دقیق ندانند چه باید کرد. هیچ طرح و مدل و نسخه از قبل نوشته شده‌ای در این مورد و در ارتباط با ایران وجود ندارد.

نظر به این واقعیت، لازم است تا به مستندسازی دادگاه حمید نوری و همه اطلاعات و مطالب منتشر شده در ارتباط با آن توجه شده و جمعی از افراد یا گروه‌های حقوق بشری از زاویه کارشناسی به تدوین این تجربه جدید اقدام کنند. اگر گروه‌های مختلف حقوق بشری ایرانی در خارج کشور بتواند در هماهنگی با یکدیگر چنین گروهی را پایه‌ریزی و تاسیس کرده یا حداقل چهارچوب‌هایی برای تبادل اطلاعات تشکیل دهند، می‌تواند اقدامی مؤثر باشد.

حمایت افراد با تخصص‌های مختلف در زمینه حقوق بین‌الملل، تاریخ، جامعه‌شناسی، روانشناسی یا دیگر تخصص‌ها می‌تواند چنین مستندسازی را تقویت کند. چنین گروهی می‌تواند از دل این تجربه، گزارش‌های موضوعی مختلفی را تهیه و تنظیم کند که در صورت دستگیری یکی دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی بتوان از آن برای ارتقاء کیفیت و سرعت کار استفاده کرد. همچنین یک تجربه مستند شده می‌تواند در فردای ایران بعد از جمهوری اسلامی، به گروه‌های حقیقت‌یاب کمک کند.

### ضرورت بررسی‌های آکادمیک و پژوهشی

دادگاه حمید نوری می‌تواند موضوع کار آکادمیک شده و دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی در خارج از ایران در مورد جنبه‌های مختلف این دادگاه به پژوهش و نوشتن پایان‌نامه بپردازند. فقدان کار علمی در زمینه دادخواهی و زنده‌ماندگان و خانواده‌ها و بازماندگان قربانیان در ایران و نیز پیامدهای روحی-اجتماعی آن یکی از کمبودهای جدی در این زمینه است. پایان‌نامه‌های دانشگاهی می‌تواند کمک بزرگی برای پر کردن این خلاء باشد.

دانشجویانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند به انبوه پایان‌نامه‌ها و تحقیقاتی دسترسی دارند که تجارب کشورهای دیگر را در اختیار می‌گذارند. بهره گرفتن از این تجارب و تلاش برای پژوهش و یافتن ویژگی‌هایی که خاص ایران است، می‌تواند در شناخت ماهیت آنچه در ایران جان انسان را چنین بی‌ارزش کرده است کمک کند. نور دانش زوایی از ناشناخته‌ها را به دور از جانبداری‌های سیاسی-ایدئولوژیک و همچنین احساساتی نمایان کرده و به نسل امروز و آینده ایران درک عمیق‌تری برای شناخت ریشه‌ها ارائه می‌دهد. همه اینها می‌تواند خودآگاهی تاریخی ایجاد کرده و مانع از تکرار جنایت شود. آلمان بعد از نازی‌ها نمونه بسیار مناسبی در این زمینه است.

همچنین خبرنگاری تحقیقی می‌تواند به تهیه مستندهای رادیوتلوویزیونی اقدام کند. هر کدام از این اقدامات می‌تواند با فراموش نکردن این جنایات به تقویت خاطر جمعی کمک کرده و ریشه‌های تکرار جنایات مشابه را بخشکاند.

### دادخواهی امری ملی است

«دادخواهی» مفهومی وسیع داشته و می‌تواند موضوعات متفاوتی را شامل شود. مبارزه اقشار مختلف در ایران مانند معلمان، کارگران، کشاورزان، پرستاران، بازنشستگان، مالباختگان و... همه مضمون دادخواهی دارد. آنها دادخواه حق و حقوق خود هستند که توسط حکومت پایمال شده است. آنها می‌خواهند این حقوق را پس گرفته و



خواهان اجرای عدالت در مورد افرادی هستند که از آنها سلب این حقوق کرده‌اند. آن‌هاست که عدالت اجرا نشده و امیدی برای رسیدن به آن در یک سیستم سیاسی- قضائی وجود ندارد، دادخواهی شروع می‌شود.

در ارتباط با دادگاه حمید نوری، موضوع اصلی دادخواهی، سلب «حق حیات» انسان‌هاست. دادخواهی در ارتباط با انسان‌هایی که بدون دسترسی به یک دادرسی عادلانه دستگیر، زندان، شکنجه و اعدام یا به اشکال مختلف کشته شده‌اند. این دادخواهی شامل طیف بسیار گسترده‌ای از مردم ایران می‌شود: از وابستگان به حکومت پهلوی در روزهای اول به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا وابستگان به گروه‌های مذهبی مانند بهائیان، اقلیت‌های اثنیک، وابستگان به گروه‌های مختلف سیاسی، تا زندانیان عادی متهم به مواد مخدر یا متهمین به انواع جرم‌های کیفری. از افرادی که در نقاط مختلف ایران با عملیات‌های نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا نیروهای مختلف نظامی- انتظامی در شهر و روستا کشته شده‌اند تا قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای و قربانیان هواپیمای اوکراینی. به این طیف بزرگ باید همه آنانی را که در تظاهرات و اعتراض‌های خیابانی در گوشه و کنار کشور به رگبار بسته شده یا پس از دستگیری و شکنجه در خانه‌های امن یا در زندان‌های نیروهای اطلاعاتی- امنیتی کشته شده‌اند نیز افزود و همچنین بسیاری که در ۴۳ سال گذشته در جای جای ایران در سکوت دستگیر و در سکوت کشته شدند. بدین ترتیب دادخواهی موضوعی فرا حزبی، فرا قومی، فرامذهبی، فرایدئولوژیک و فراجنسیتی بوده و امری کاملاً انسانی و «ملی» محسوب می‌شود. این دادخواهی می‌تواند به دلیل تنوع گسترده و رنگین بودن طیف «قربانیان»، زمینه مناسبی برای همبستگی ملی علیه دشمن مشترک مردم، یعنی تمامیت حکومت اسلامی حاکم بر ایران باشد.

#### دادخواهی امری انسانی- حقوقی است

یکی از مشکلات تجربه دادگاه حمید نوری این است که برخی نیروهای سیاسی اصرار دارند که موضوع دادخواهی را نه از زاویه ملی و انسانی- حقوقی، بلکه از زاویه ایدئولوژیک و تشکیلاتی برجسته کنند. سازمان مجاهدین خلق و برخی افراد از نیروهای چپ‌گرا به چنین گرایشی دامن می‌زنند.

همین نیروها تلاش می‌کنند تا در راستای اهداف خود از دادگاه حمید نوری استفاده ابزاری کرده و آن را به تریبونی برای تبلیغ اهداف سیاسی خود تبدیل کنند. چنین رویکردی در کنار رقابت و تسویه حساب‌های شخصی و گروهی، حاشیه‌هایی را دامن زده و توجه و تمرکز رسانه‌ها و مردم را از موضوع اصلی دور می‌کند. ادامه این روند می‌تواند به بی‌علاقگی بخشی از جامعه برای پیگیری این دادگاه و دلسردی و دوری گرفتن آنها از فعالیت سیاسی منجر شود. ادامه چنین روندی می‌تواند دودستگی‌ها را بیشتر و به همبستگی سیاسی- اجتماعی مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی آسیب برساند. در دادخواهی انسان‌محور، حقیقت و حقیقت‌یابی و اجرای عدالت بر اساس موازین حقوق بین‌الملل در اولویت و اهمیت قرار دارد. خونخواهی ایدئولوژیک- سیاسی اما بر تحریف حقیقت، «سیاسی‌کاری» و انتقام استوار است که یافتن حقیقت را دشوار می‌سازد.

#### مشکل حاشیه‌سازی و جار و جنجال

مشکل دیگر دادخواهی که در حول و حوش دستگیری و محاکمه حمید نوری نشان داده شده، «فرهنگ» جار و جنجال و حاشیه‌سازی است که معمولاً با تخریب شخصیت و اتهام زدن به افراد و گروه‌ها همراه بوده و به شایعه یا تبلیغ نئوری توطئه دامن می‌زند. حضور این «فرهنگ» به ویژه در شبکه‌های اجتماعی محسوس‌تر است زیرا با پنهان شدن پشت اسامی مستعار امکان حسابرسی و پیگیری‌های حقوقی در آن با محدودیت‌های زیاد همراه است. چنین پدیده‌ای نشان می‌دهد هنوز افرادی می‌توانند در جامعه ایرانیان چنین کالایی را به خوبی بفروشند و تاسف‌بارتر آنکه هنوز بخش قابل توجهی از جامعه ایرانی خریدار چنین کالایی است. این پدیده نشان از عقب‌افتادگی اجتماعی بخشی از جامعه دارد. واقعیتی که بی‌توجهی یا دست‌کم گرفتن آن می‌تواند باعث رشد و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و زمامدارانش از دوران خمینی تا اکنون شود که خامنه‌ای رهبری رژیم را بر عهده دارد.

یک دلیل رونق فرهنگ جار و جنجال و حاشیه‌سازی، نبود فرهنگ نقد سازنده است. نقد سازنده، متکی بر فاکت و سند است، با خردگرایی، منطق و استدلال و با احترام همراه بوده و از پرخاش و اتهام دور است. هر میزان جامعه و رسانه از نقد سازنده تهی شود، جنجالگران بیشتر میدان ظهور پیدا می‌کنند. این مسئولیت خردورزان و روشنفکران است که با ورود به عرصه اجتماعی و ایجاد یک فرهنگ نقد سالم، زمینه‌ی رشد فرهنگ حاشیه‌سازی و جنجال‌آفرینی را بخشکانند.

#### اهمیت آموزش و یادگیری ارزش‌ها و معیارهای حقوق بشری

حقوق بشر نه تنها یک ارزش، بلکه یک ابزار نیز هست. اعلامیه جهانی حقوق بشر یک میراث بشری است که حفظ حقوق بنیادین انسان برای دفاع از کرامت او را تدوین کرده است. حقوق بشر موضوعی جهانشمول بوده و جدا از رنگ پوست و جنسیت و ملیت و مذهب، همه انسان‌ها را بطور یکسان شامل شده و ارزشی پایدار و خدشه‌ناپذیر به شمار می‌رود.

برای آنکه حقوق بشر فقط جنبه ایده‌آل- روماننتیک نداشته باشد، کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی راهکارهای اجرایی آن را تعریف و مشخص کرده‌اند. کشورهای مختلف امضاکننده این کنوانسیون‌ها برای پایبندی به این پیمان‌نامه‌ها موظف به آموزش این ارزش‌ها در جامعه خود هستند. نهادهای آموزشی مانند دبستان و دبیرستان و دانشگاه و نیز رسانه‌های اجتماعی بر اساس همین ارزش‌ها تولید محتوا کرده یا مورد نظارت قرار می‌گیرند. نهادهای مختلف در قوه قانونگذاری، قوه اجرایی و قوه قضاییه نیز بر اساس همین ارزش‌ها آموزش دیده و خود را جهت می‌دهند. بر این اساس حقوق بشر نه فقط حرف‌های زیبا یا یک کالای لوکس برای ژست گرفتن، بلکه معیار سنجش کشورهای مختلف در تعهد به آنست.

حقوق بشر و ارزش‌ها و پیمان‌نامه‌های جانبی آن در هفت دهه گذشته به تدریج در کشورهای آزاد و دموکراتیک نهادینه و به یک فرهنگ تبدیل شده است. شهروندان این کشورها بطور نسبی با حقوق و وظایف خود و نیز حقوق و وظایف نهادهای حکومتی آشنا هستند. چنین آگاهی و آشنایی و زندگی روزمره در حاکمیت قانون به شهروندان این کشورها اعتماد به نفس داده است. آنها در ذهن و در رفتار خود الگوهایی را آموخته‌اند. مناسبات اجتماعی یا امور اداری یا حقوقی نیز از چنین الگویی تبعیت می‌کند. این الگوی رفتاری، روند دادرسی و اجرای

دادگاه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. همه اینها به مرور زمان فرهنگی را ساخته که در آن امور اداری به دور از تشریفات و چاپلوسی، به دور از حرافای و کلی‌گویی و... جریان دارد. در چنین سیستمی شفافیت و دقت و مستند کردن و راست‌آزمایی و کنترل اهمیت زیاد دارد.

توجه به رفتار قاضی، دادستان و وکلای حاضر در دادگاه حمید نوری و فرهنگی که آنها بر اساس آن حرف زده یا استدلال می‌کنند. نگاهی به حساسیت در مورد راست‌آزمایی، نگاهی به گفتگوی قاضی با دادستان و وکلا در وسط برخی جلسات یا نحوه اعتراض قاضی به برخی حاضرین در جلسه و نیز دفاع قاضی از حقوق انسانی حمید نوری، نشان می‌دهد که فرهنگ قانونمداری و احترام به ارزش‌های حقوق بشری تا کجا در آنها نهادینه شده است. رفتاری که نه ناشی از ترس یا اطاعت، بلکه به دلیل آموزش و آگاهی نسبت با آن ارزش‌هاست. این به معنی قدیس کردن آن افراد نبوده یا به معنی نگاهی مطلق‌گرانه به این سیستم‌ها نیست. پیام این موضوع برای جنبش دادخواهی در ایران، ضرورت یادگیری و نهادینه کردن ارزش‌های حقوق بشریست.

یک الزام مهم برای موفقیت حقیقت‌یابی در ایران بعد از جمهوری اسلامی و یک شرط مهم پیروزی دادخواهی و اجرای عدالت، داشتن کادرها و افرادیست که در سطوح مختلف اداری با ارزش‌های حقوق بشری آشنا و به آن پایبند باشند. پس از جمهوری اسلامی زمان زیادی لازم است تا قانونمداری و ارزش‌های حقوق بشری در بین مردم و بخش بزرگی از جامعه نهادینه شود، اما در آغاز بعد از جمهوری اسلامی، پیدا کردن کادرهای آموزش دیده، باورمند و پایبند به حقوق بشر و دادرسی عادلانه برای پیشبرد کار حقیقت‌یابی یک موضوع مهم خواهد بود. علاوه بر این، برای عبور کم‌تنش از این دوره، همکاری مردم نیز لازم است. مردمی که آنها نیز باید در عمل با روحیه‌ای دمکراتیک، برای عبور از این مرحله بردباری نشان دهند. همه اینها اهمیت آشنایی و آموزش عمومی جامعه با مفاهیم دمکراسی، حقوق بشر و حقوق شهروندی و پایبندی به آنها را بیشتر نشان می‌دهد.

### نقش رسانه‌ها

منظور از «رسانه» در اینجا آن رسانه‌های فارسی‌زبانی هستند که جدا از منابع تامین مالی، خود را حرفه‌ای، آزاد و مستقل نامیده، خود را متعهد به گسترش ارزش‌های دمکراتیک و حقوق بشر معرفی کرده، به ویژه وقتی که ادعا می‌کنند از مبارزه مردم ایران برای تغییرات دمکراتیک حمایت می‌کنند. چنین رسانه‌هایی می‌توانند جدا از پوشش خبری دادگاه حمید نوری، نقش آموزشی نیز داشته باشند.

رسانه‌ها می‌توانند و باید به چرایی‌ها بپردازند. به روند دادرسی، به محتوای کیفرخواست، به اهمیت راست‌آزمایی و به تجارب بین‌المللی و مشابهت‌ها و تفاوت‌ها با دادگاه حمید نوری بپردازند. رسانه‌ها می‌توانند حساسیت جامعه نسبت به موضوع دادخواهی و سلب حق حیات را برانگیخته و از این طریق دادگاه حمید نوری را به موضوعی «همگانی» تبدیل کنند. رسانه‌ها می‌توانند از طریق تهیه برگزاری بحث و گفتگوهای کارشناسی، به تعمیق معیارهای حقوق بشری در سطح وسیع‌تری در جامعه کمک کنند. رسانه‌ها می‌توانند با توضیح چرایی‌ها و چگونگی‌ها به حقیقت‌یابی و تقویت حافظه جمعی کمک کنند.

نگاهی به رویکرد رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نشان می‌دهد در این زمینه کمبود و ضعف جدی وجود دارد. برخی رسانه‌ها در حد خود در این زمینه تلاش می‌کنند. دیگر رسانه‌ها می‌توانند سیاست‌گذاری یا اولویت‌بندی‌های خود در این زمینه را مورد بازبینی قرار داده و در کنار پوشش خبری دادگاه حمید نوری، تولید برنامه‌های عمیق‌تر را نیز مورد نظر قرار دهند. رسانه‌های آزاد (با تعریفی که در بالا آمد) به عنوان یک رکن مهم در گسترش و تقویت ارزش‌های حقوق بشری و دموکراتیک می‌توانند و باید فراتر از خبررسانی، نقش آموزشی خود در این زمینه را بیشتر تقویت کنند. هر مقدار که یک رسانه از منابع مالی، پرسنلی و تکنیکی و لجستیک بیشتر برخوردار باشد، انتظار است که در این زمینه نقش فعال‌تری نیز به عهده بگیرد.

### نقش روشنفکران و اندیشه‌ورزان

شاید بتوان روشنفکران و اندیشه‌ورزان را وجدان بیدار زمانه خود دانست. آنها تلاش می‌کنند تا با حفظ استقلال فکری و نظری، با نقد و پرسشگری، صاحبان قدرت را در عرصه‌های مختلف سیاسی، تجاری مذهبی، نظامی و ... به پاسخگویی وادارند. روشنفکر و اندیشه‌ورز با تولید فکر و ایده از طریق نوشته، فیلم، صدا، موزیک، تئاتر، نقاشی، شعر، مستندسازی و ... تلاش می‌کند تا شاخک‌های حسی جامعه را زنده نگه دارد. به جامعه در برابر بی‌تفاوتی و روزمردگی هشدار داده، و افراد را به فکر و تعمق در مورد چرایی‌ها فرا خوانده و بر نقش و مسئولیت فردی و اجتماعی انگشت گذاشته و هرگز از وظیفه‌اش باز نمی‌نشیند. قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای و بسیاری که در سکوت در گوشه و کنار ایران یا جهان توسط آدمکشان جمهوری اسلامی به قتل رسیدند از جمله این اندیشه‌ورزان بودند.

دادگاه حمید نوری یک فرصت است تا روشنفکران و اندیشه‌ورزان جامعه ایرانی به سراغ بسیاری از چرایی‌ها بروند:

چه شد که حکومت جمهوری اسلامی در ایران به قدرت رسید؟  
چه شد که جامعه ایران برای این حکومت در کشتار و اعدام هورا کشید؟  
چرا جامعه در برابر دستگیری و شکنجه و تجاوز و اعدام و کشتار چشم فرو بست، سکوت کرد، سازش کرد؟  
چه می‌شود که یک جامعه می‌تواند به این حد از خودویرانگری دچار شود؟  
چرا آنان که می‌دانستند سکوت کرده و حرف نزدند و چرا آنان که شنیدند بی‌تفاوت ماندند؟  
آیا حمید نوری فقط یک تک‌مورد است؟  
چرا و چطور یک جامعه می‌تواند هزاران هزار حمید نوری را در سطوح مختلف تولید و پرورش دهد؟  
چرا ارزش‌های مرگ‌آفرین و ضدبشری به ارزش‌های «عادی» در یک جامعه تبدیل می‌شود؟  
چه می‌شود که مردم برای دیدن اعدام یک انسان از صبح سحر به میدان شهر شتافته، بساط پیک نیک پهن کرده، حتا از درخت و تیر چراغ برق بالا می‌روند تا رقص مرگ یک انسان را نظاره کرده و از آن فیلم بگیرند، اما اعتراض نمی‌کنند؟  
آینده چنین جامعه‌ای چه خواهد شد؟  
چطور می‌توان از این دایره وحشت و مرگ و نابودی بیرون جهید و به انسانیت بازگشت؟

چطور می‌توان از آنچه در ۴۳ سال گذشته با درد و رنج و خون بر ایران و ایرانیان رفت، آموخت و قبل از نابودی ایران و دفن انسانیت در آن، آنرا نجات داد؟

دادگاه حمید نوری زمینه‌ای است برای پدیده‌شناسی، برای تعمیق و شکافتن زمینه‌های تاریخی، تربیتی، مذهبی، فکری و تجزیه و تحلیل روانشناسانه و جامعه‌شناسانه مردم و جامعه ایران. فرصتی برای اینکه بتوان توضیح داد که شخصیت حمید نوری و حمید نوری‌ها چگونه شکل گرفته و بر چه بستری رشد و نمو می‌کنند.

اما آیا روشنفکران و اندیشه‌ورزان ایرانی آن میزان که باید خود را با این موضوع‌ها درگیر کرده‌اند؟ اگر نه، چرا؟ آنها کجا بودند؟ اگر چه تعداد محدودی از روشنفکران و اندیشه‌ورزان ایرانی تلاش می‌کنند تا پرسش‌های بالا را مطرح کرده و جامعه را به حرکت در آورند، اما هنوز بخش بزرگتری از این اندیشه‌ورزان آنگونه که باید فعال نیستند.

### ضرورت نقد اجتماعی

نمونه برخی کشورها همچون آلمان بعد از جنگ دوم جهانی نشان می‌دهد برای جلوگیری از تکرار جنایت، باید شجاعانه به نقد خود، خود فردی و خود اجتماعی نشست. باید صادقانه و شفاف به حقیقت‌یابی اقدام کرد. باید مانع از فراموشی شد. باید مسئولیت آمرین و عاملین در چرخش ماشین جنایت را روشن کرد. باید ایدئولوژی و آن مذهبی را که جنایات را تئوریزه می‌کند توضیح داد؛ باید مکانیسم‌هایی را که حکومت اسلامی در ۴۳ سال گذشته توانسته به کمک آنها جامعه را به همراهی با خود یا به سکوت و بی‌تفاوتی بکشاند شکافت و تشریح کرد. سرانجام اینکه باید نقش مردم، تک تک مردم (مسئولیت فردی) و نقش جامعه (مسئولیت جمعی) به عنوان یک پیکره مورد بررسی و بازنگری قرار بگیرد. متأسفانه در این زمینه‌ها تلاش جدی در جامعه روشنفکری و اندیشه‌ورزان ایرانی مشاهده نمی‌شود.

شاید گسترش ارتباط و همکاری رسانه‌ها با این اندیشه‌ورزان بتواند به میزان قابل توجهی این ضعف و کمبود را برطرف کند. رسانه‌ها و اندیشه‌ورزان می‌توانند بحث‌های اجتماعی را دامن زده، به گفت‌وگوها و نظریه‌ها دامن بزنند و به مباحث اجتماعی جهت بدهند. در فقدان یک فعالیت سازنده از این دست، مباحث حاشیه‌ای یا جنجالی گسترش پیدا کرده و در اشکال تازه به حیات خود ادامه می‌دهند.

می‌توان با تعمیق مباحث جدی انسانی- اجتماعی از دل آتش و خاکستر چهار دهه گذشته، به بازنگری و نوزایی خویش برخاست. می‌توان این فرصت را برای پایان دادن به تولید و بازتولید جهل و خرافه‌پرستی، مرگ و مرگ‌پرستی، تقدس‌پرستی به کار گرفته و با تقویت اندیشه و خردورزی و احترام به انسان و حقوق او، افق روشن ایران آزاد فردا را در چشم‌انداز قرار داد. در این راه جدا از تک تک مردم، رسانه‌ها، روشنفکران و اندیشه‌ورزان مسئولیتی کلیدی و به میزان زیادی مرتبط با هم بر عهده دارند.

مجموعه حاضر ابتدا در سه مقاله جداگانه در ژانویه ۲۰۲۲ در کیهان لندن منتشر شد<sup>۸</sup>. با تشکر از کیهان لندن، آن سه مقاله در اینجا یکجا ارائه می‌شوند. در تیتیر مقاله دوم از "از دیدگاه حقوقی"، به "از زاویه حقوقی" تغییر داده شده است.

گرافیک‌ها از کیهان لندن است.

---

<sup>۸</sup><https://kayhan.london/fa/1400/10/20/%d8%af%d8%a7%d8%af%da%af%d8%a7%d9%87-%d8%ad%d9%85%db%8c%d8%af-%d9%86%d9%88%d8%b1%db%8c%d8%9b-%d8%a8%d8%b1%d8%b1%d8%b3%db%8c-%d8%a7%d9%88%d9%84%db%8c%d9%87-%d8%a8%d8%b1%d8%ae%db%8c-%d9%85%d8%b4%da%a9>